

MARVEL

6

LGY#156

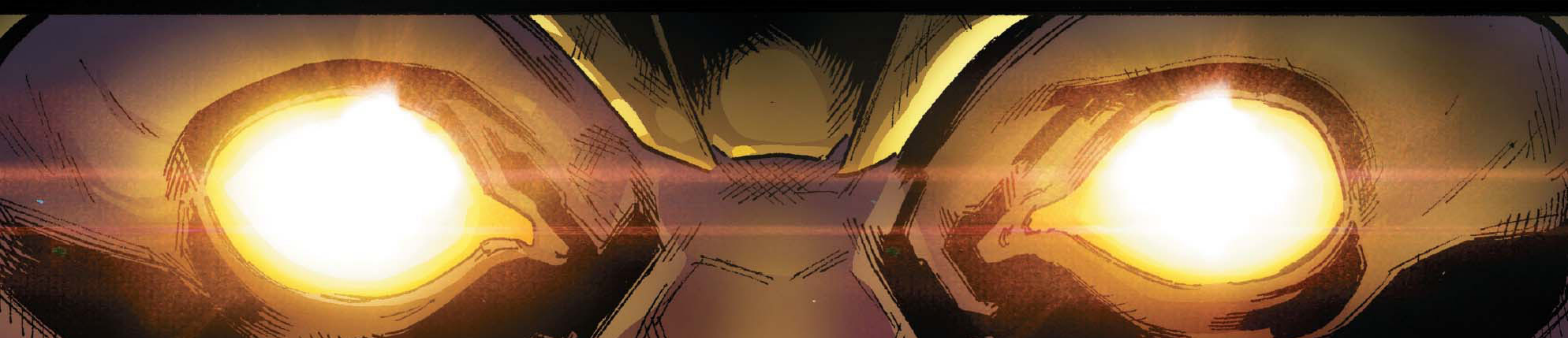
DONNY CATES
GEOFF SHAW
DAVID CURIEL

GUARDIANS OF THE GALAXY

MR. QUEZ!
WATK

استارلرد، گروت، فیلاول، مون دراگون، بتا ریپیل و کازمیک گست رایدرا اولین و آخرین خط دفاعی در جهان به شمار می روند...چه بخواهند چه نخواهند.

نگهبانان کهکشان



آنچه گذشت...

هلا الهه مرگ آژگاردی و فرقه سیاه برای ربودن جسد ثانوس به بزرگترین جنگجویان کهکشان حمله ور شدند. برادر ثانوس، اروس، گروه نگهبانان سیاه را تشکیل داد. این گروه با هدف کشتن گمورا و جلوگیری از انتقال هوشیاری ثانوس به گمورا و قیام مجدد صورت گرفت.

نگهبانان سیاه گمورا را دستگیر کردند و او را برای اعدام نزد اروس بردند. در این بین هلا متوجه شد که گمورا میزبان اصلی نیست.. و اروس هدف این برنامه بوده است. نگهبانان کهکشان با کمک یکی از غیر انسان ها بنام لاکچاو مأموریت نجاتی را برنامه ریزی کردند، ولی خیلی دیر شده بود. هوشیاری ثانوس بر اروس غلبه کرد و با دسترسی هلا به جسد ثانوس انتقال هوشیاری آغاز شده است-ثانوس بازگشته است!

"THE FINAL GAUNTLET" SIX of SIX

DONNY CATES
writer

GEOFF SHAW
artist

DAVID CURIEL
colorist

VC's CORY PETIT
letterer

DAVID MARQUEZ & DEAN WHITE cover artists

GERALD PAREL Marvel's 25th tribute variant cover artist

LAUREN AMARO
assistant editor

DARREN SHAN
editor

JORDAN D. WHITE
senior editor

C.B. CEBULSKI
editor in chief

JOE QUESADA
chief creative officer

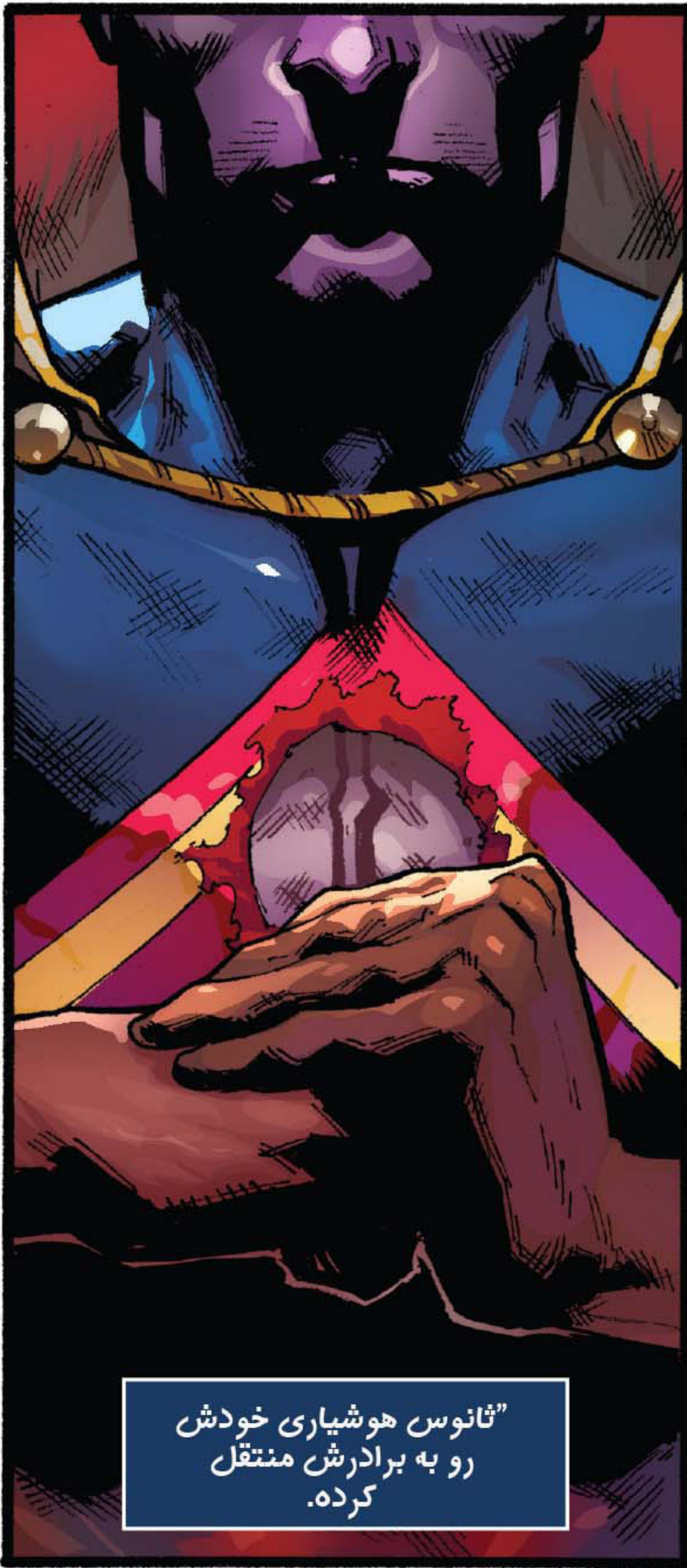
DAN BUCKLEY
president

ALAN FINE
executive producer



گوش کنید.

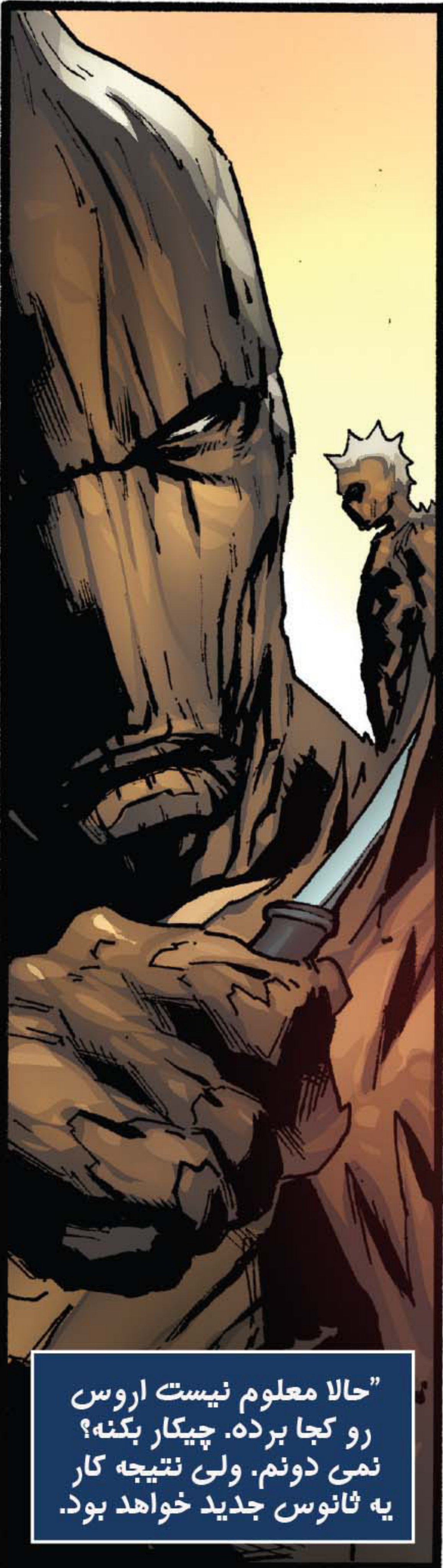
بازیمون دادند.



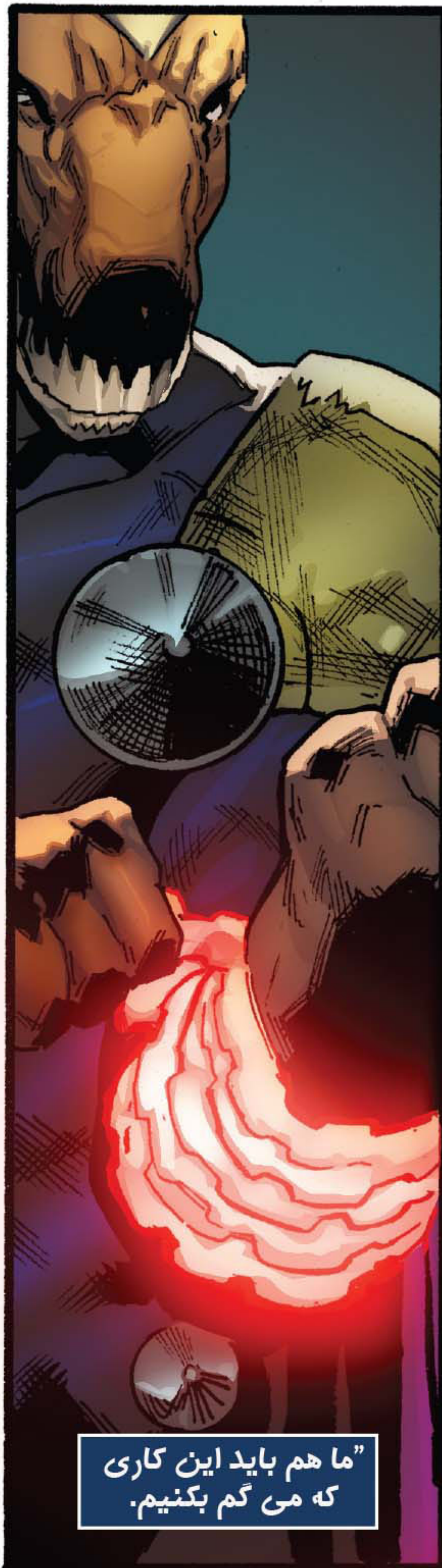
"ثانوس هوشیاری خودش رو به برادرش منتقل کرده.



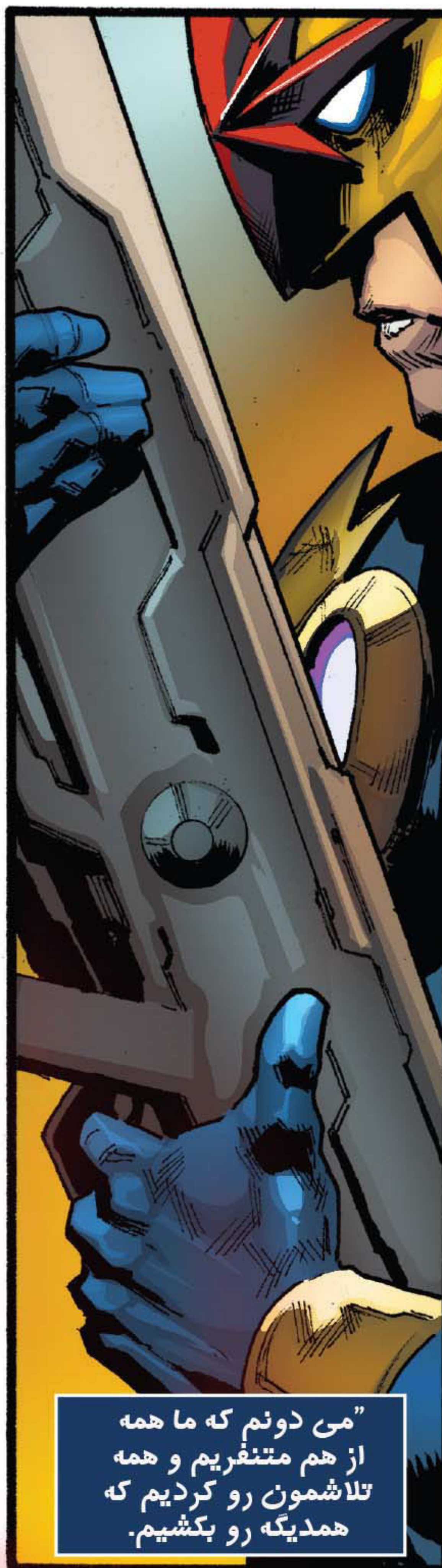
"و اون موقع که دنبالش خود سیاه می گشتیم، هلا پیکر ثانوس رو بازسازی کرد.



"حالا معلوم نیست اروس رو کجا برده. چیکار بکنه؟ نمی دونم. ولی نتیجه کار به ثانوس جدید خواهد بود.



"ما هم باید این کاری که می گم بکنیم.



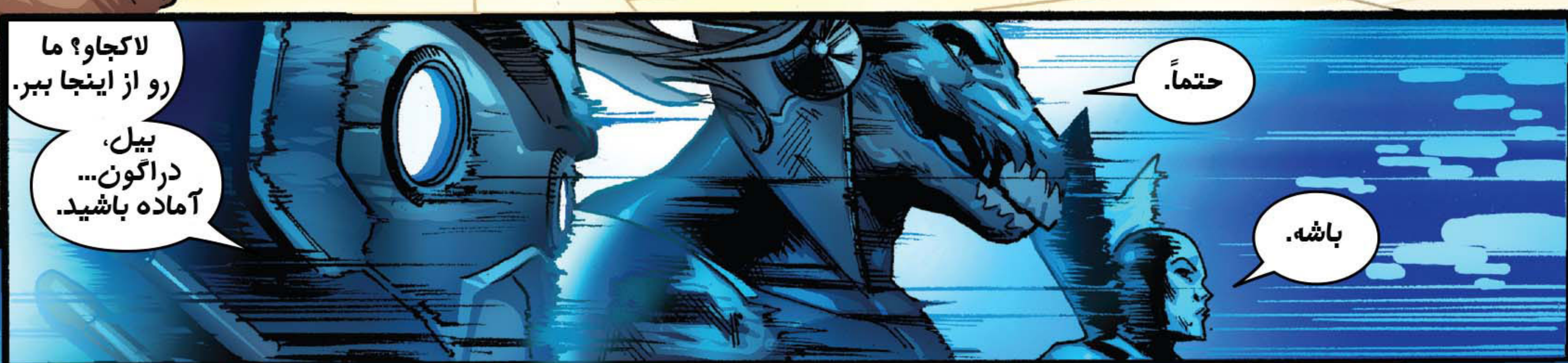
"می دونم که ما همه از هم متنفریم و همه تلاشمون رو کردیم که همدیگه رو بکشیم.



"ولی از الان به بعد و تا زمانی که کارها تموم بشه...



ما همه
نگهبان هستیم.

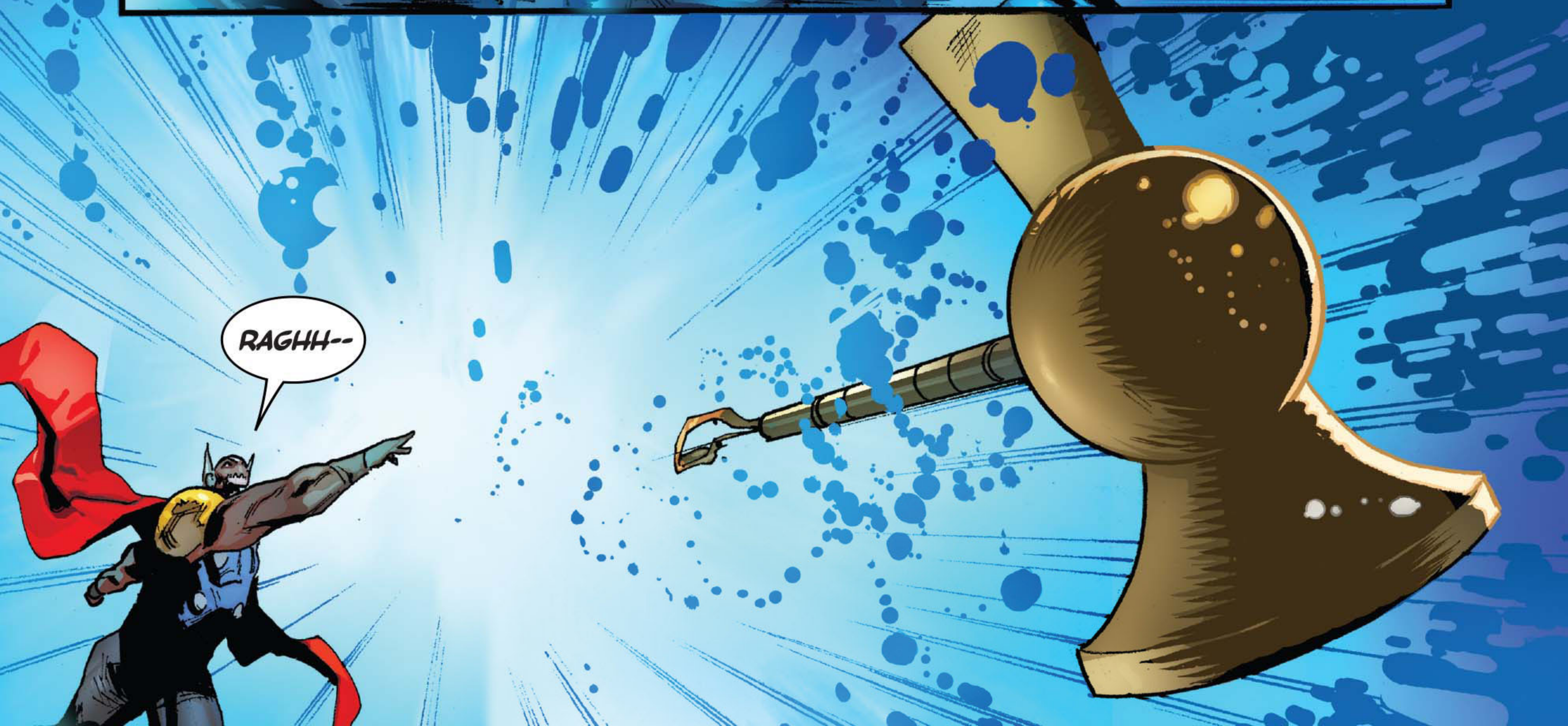


لاکچر؟ ما
رو از اینجا ببر.

بیل،
دراگون...
آماده باشید.

حتماً.

باشه.



RAGHH--

نوور.
آخرین دستکش.



--AGH!!!

ها!
واقعاً باورتون
شده که...

ر!!!! گنگه!!!
نه!

K
RAK
OOOM

بریزید سر شون
نگهبانان!

هلا حتماً
عقب نشینی
می کنه. ولی ما نمی تونیم
بذاریم همچین چیزی تحت
نظر ما اتفاق بیفته.

کلادیاتور،
بیل، نوا... شما
فرقه سیاه رو زمین-
گیر کنید.

ثانوس
با من.

...
باشه.

بعد نوبت
فرانک کسل هم
می رسه.

بقیه حواستون
به کسانی باشه که
دارند فرار می کنند. به
من کمی فضا بدید.
من...



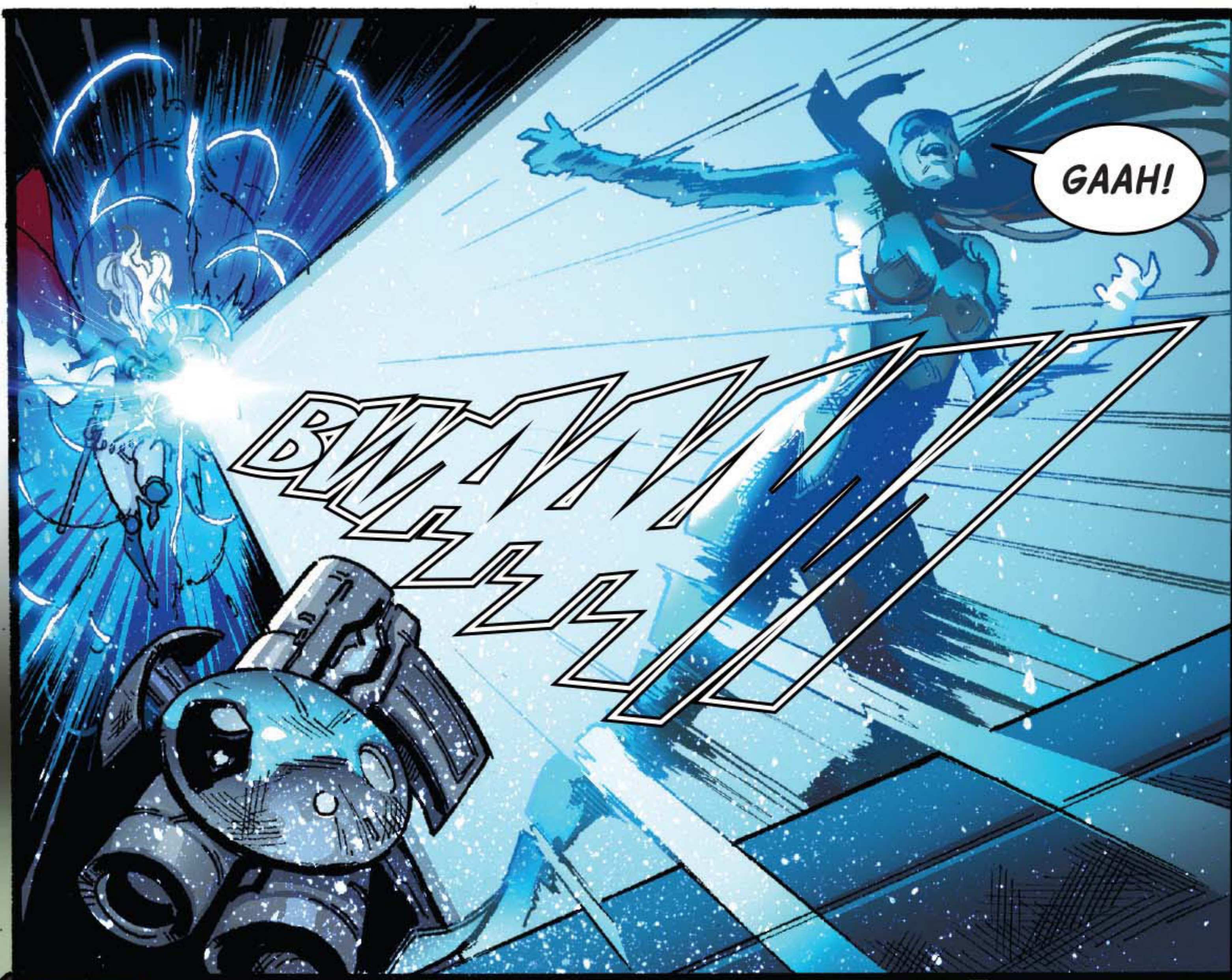
مواظب باشید،
پراکسیما میدنایت
سلاحی به دست داره که کارکرد
سیاهچاله داره.

بهم اعتماد کن.
یادم می مونه.

صبر کن،
کدومشونه؟



این.



GAAH!



چی... چی



بیخیال
بچه ها.

طوری رفتار نکنید
که انکار تحت تأثیر قرار
نگرفتید.



زود باش
کسل! از خودت
دفاع کن ای
خیانتکار!

پیتز...
نه...



خواهش می‌کنم...
بس کن...

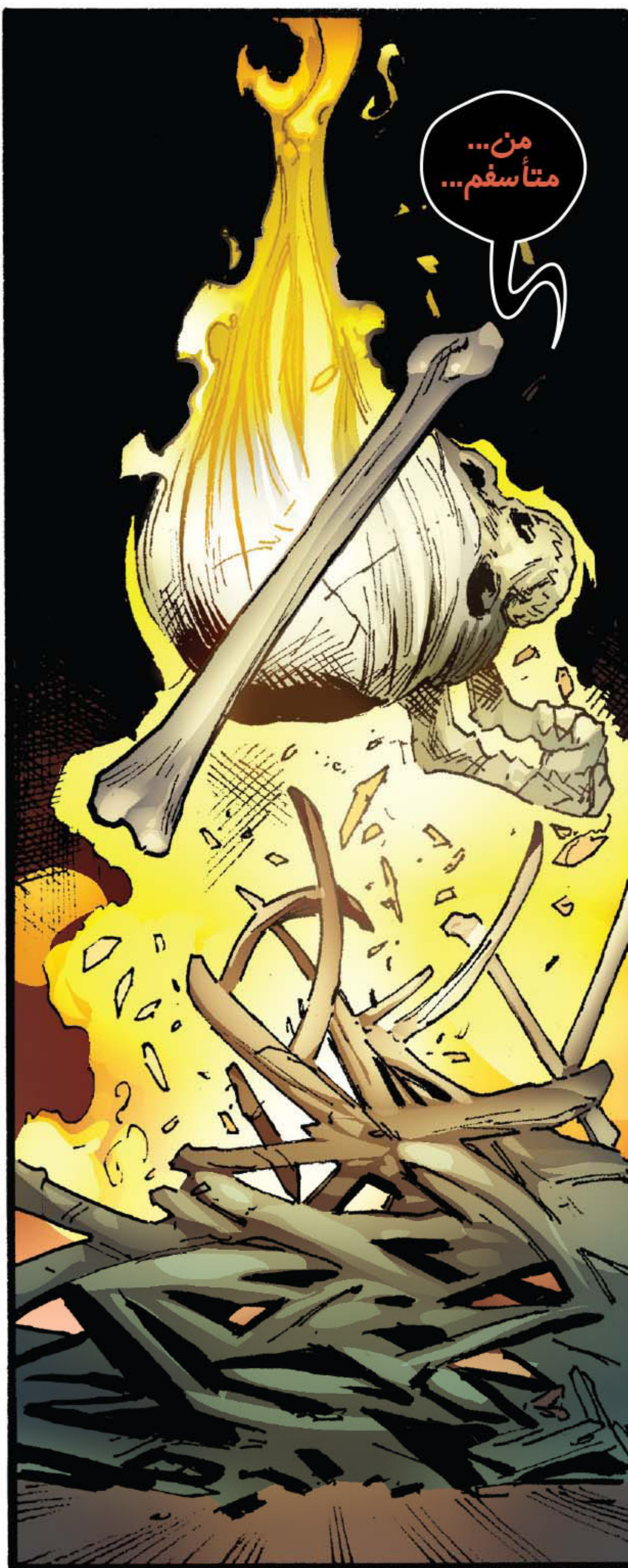


چه خبره؟
چی شده...

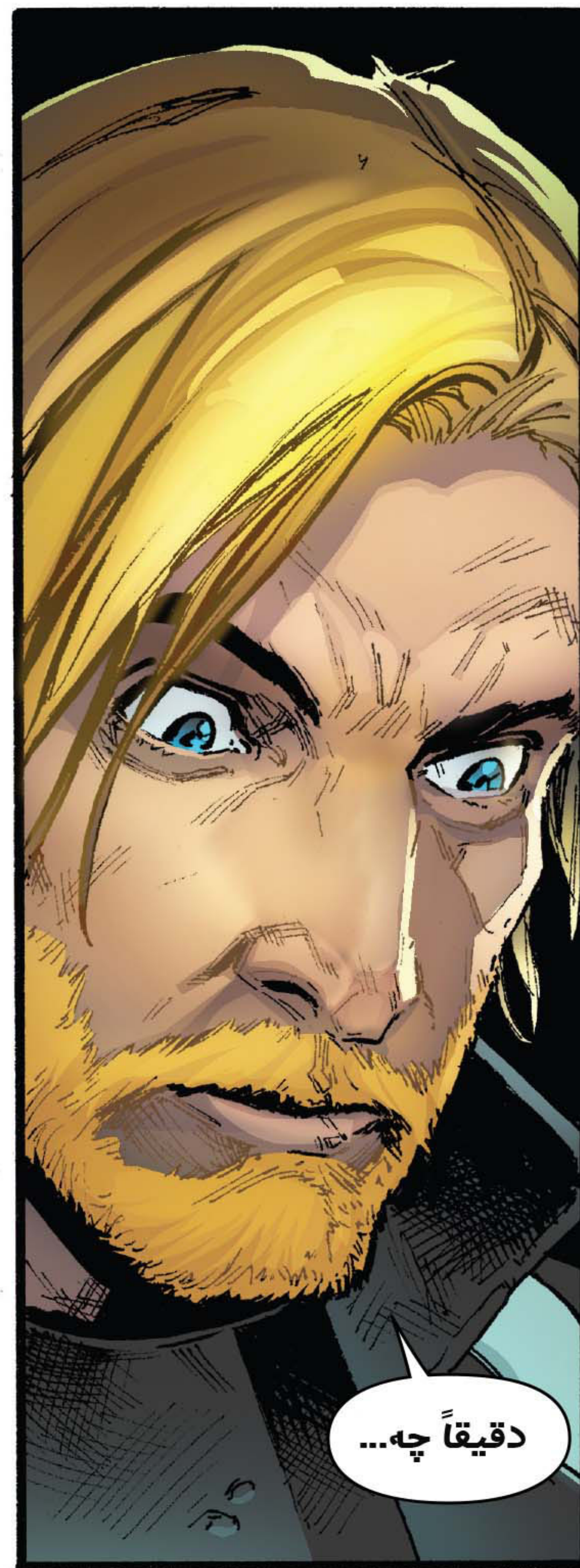


ه-هلا
منو تسخیر
کرده...

دارم ضعیف
می‌شم... من...
نمی‌تونم خودمو
کنترل کنم...



من...
متأسفم...



دقیقاً چه...



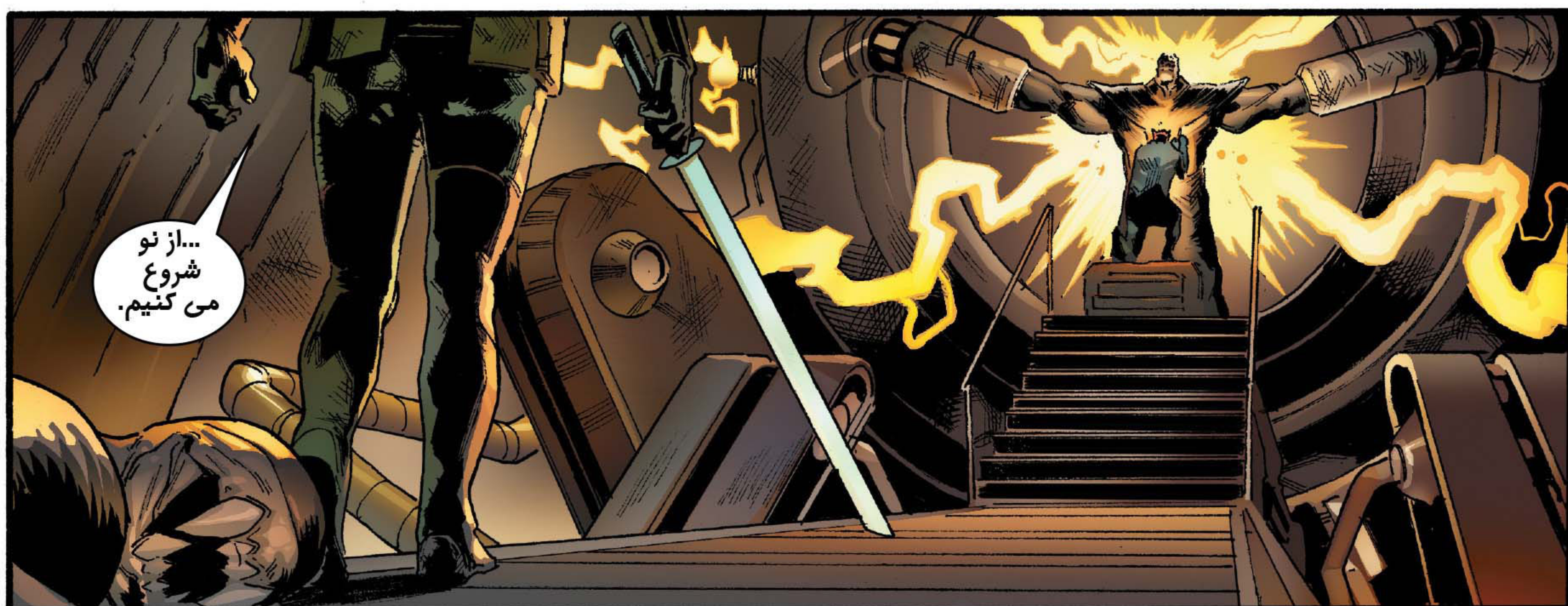
✽ در انتقام جویان ۲۲ #
در این مورد بخوانید!



RAH!!!



خوب
پدر...



...از نو
شروع
می کنیم.



گمورا!
لعنتی!



گمورا،
صبر کن.



چیکار
داری
می کنی؟

بخت گفته
که این کار
خودمه.

آره،
ولی ... من فکر
می کنم...



نمی دونم، گفتم
شاید برای نکشتن
عموت به راه خلاقانه
به نظرت رسیده
باشه...

چشمهاتو
باز کن
پیتتر.



این رستاخیز
ثانوسه.

فقط به
راه حل هست.

یه کم فکر
کن! اگه الان اونو
بکشی، کاری رو کردی
که برای توقفش
جنگیدیم!



تقصیر عموت
نبود. سرش کلاه
گذاشتند!

ما با کل اهالی
کهکشان جنگیدیم
تو رو نکشتند. چون همه
فکر می کردند تو
ثانوس باشی..

گمورا...
اگه اروس رو
بکشی...

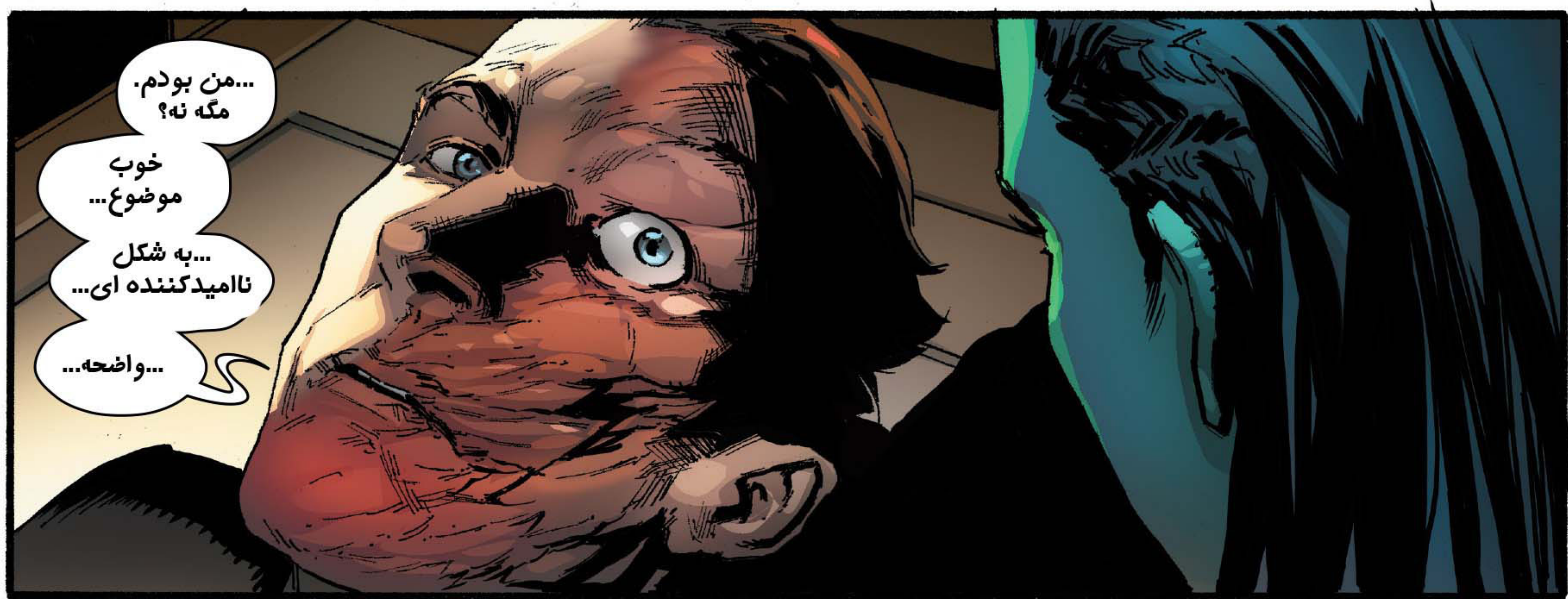


...تو هم
می شی مثل
اونها...

ولی هدف
ما همین لود.

اگه به جای
تو بودم...



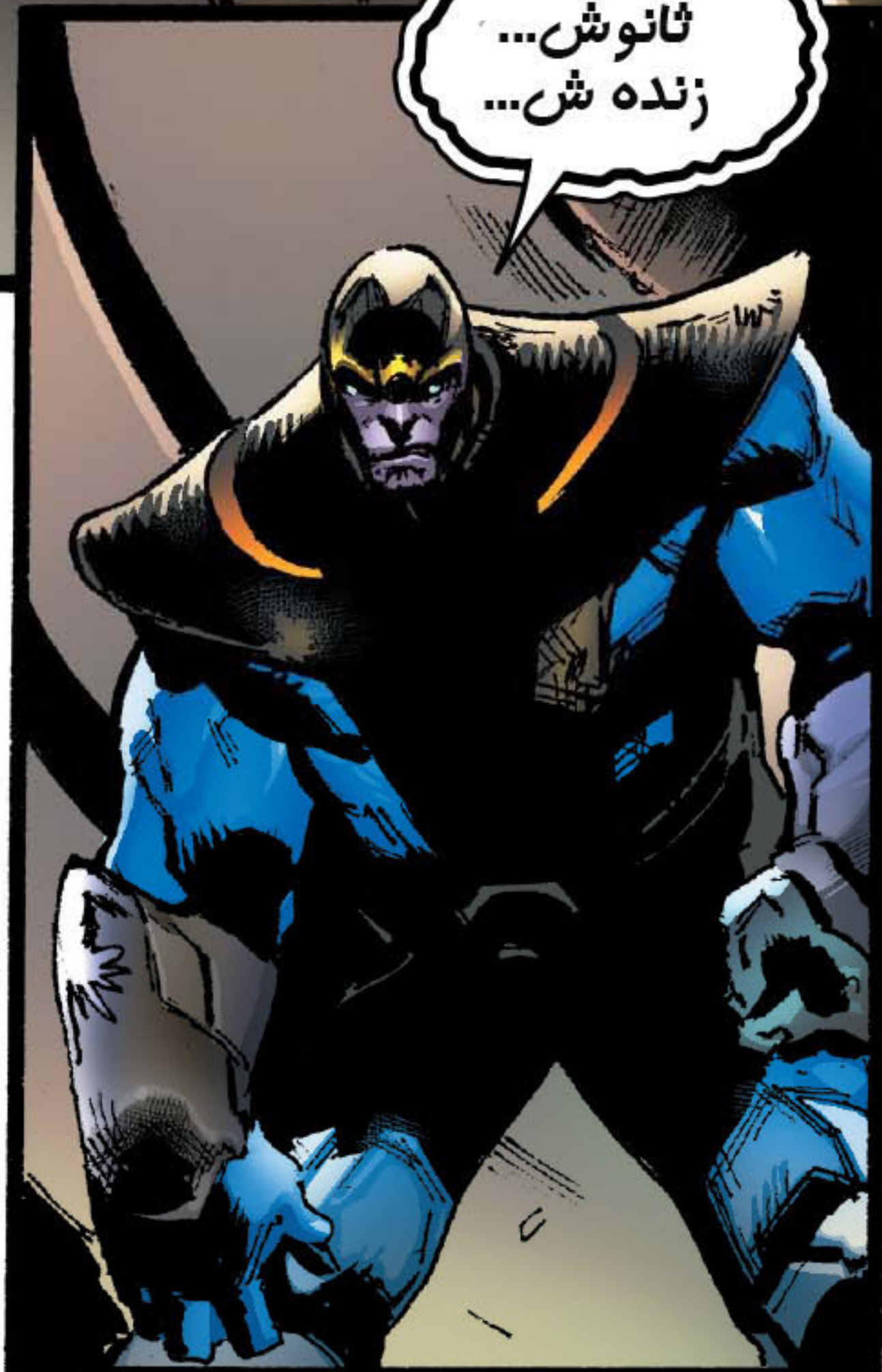


RACH!!!



هاه... هاه...
ثانوش...

ثانوش...
زنده ش...



چه مشکلی
داره؟

فر آیند کامل
نشد... واقعا اونجا
نیست...

باشه. ولی این مسئله
از ترسناک بودنش کم
می کنه...

نه!!!





نابودش
کردید!!!

توپ
سیاهچاله ای!

دارم
می بینم!

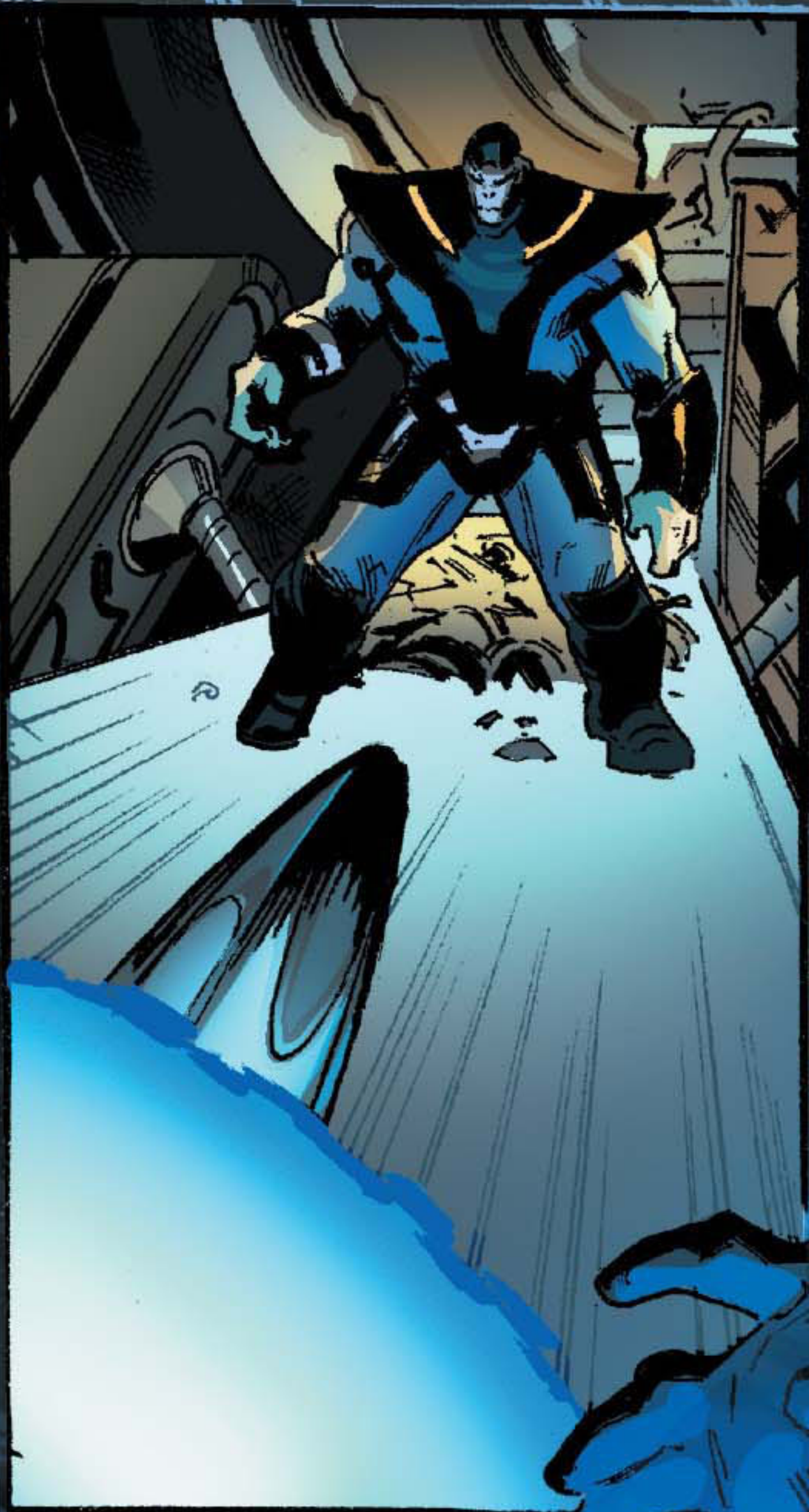
AGGHH!!!

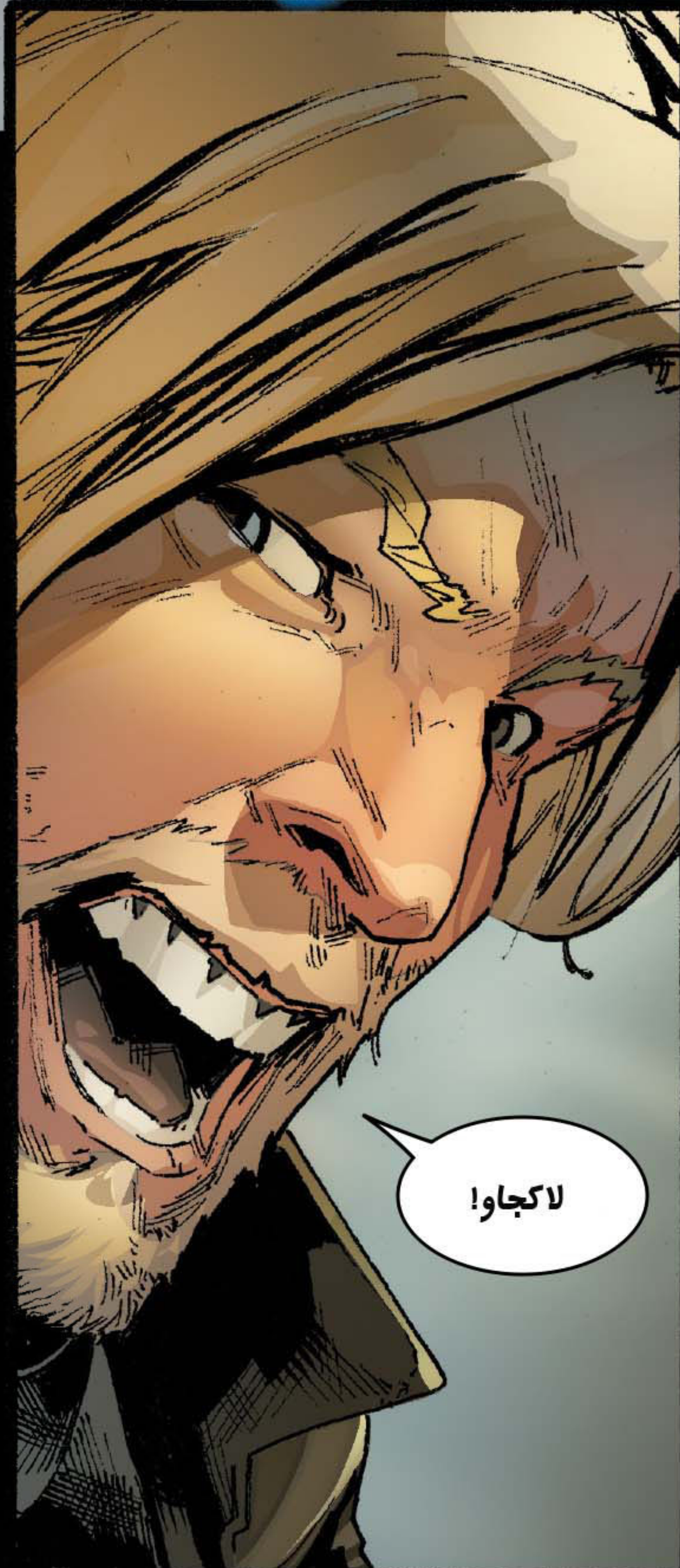
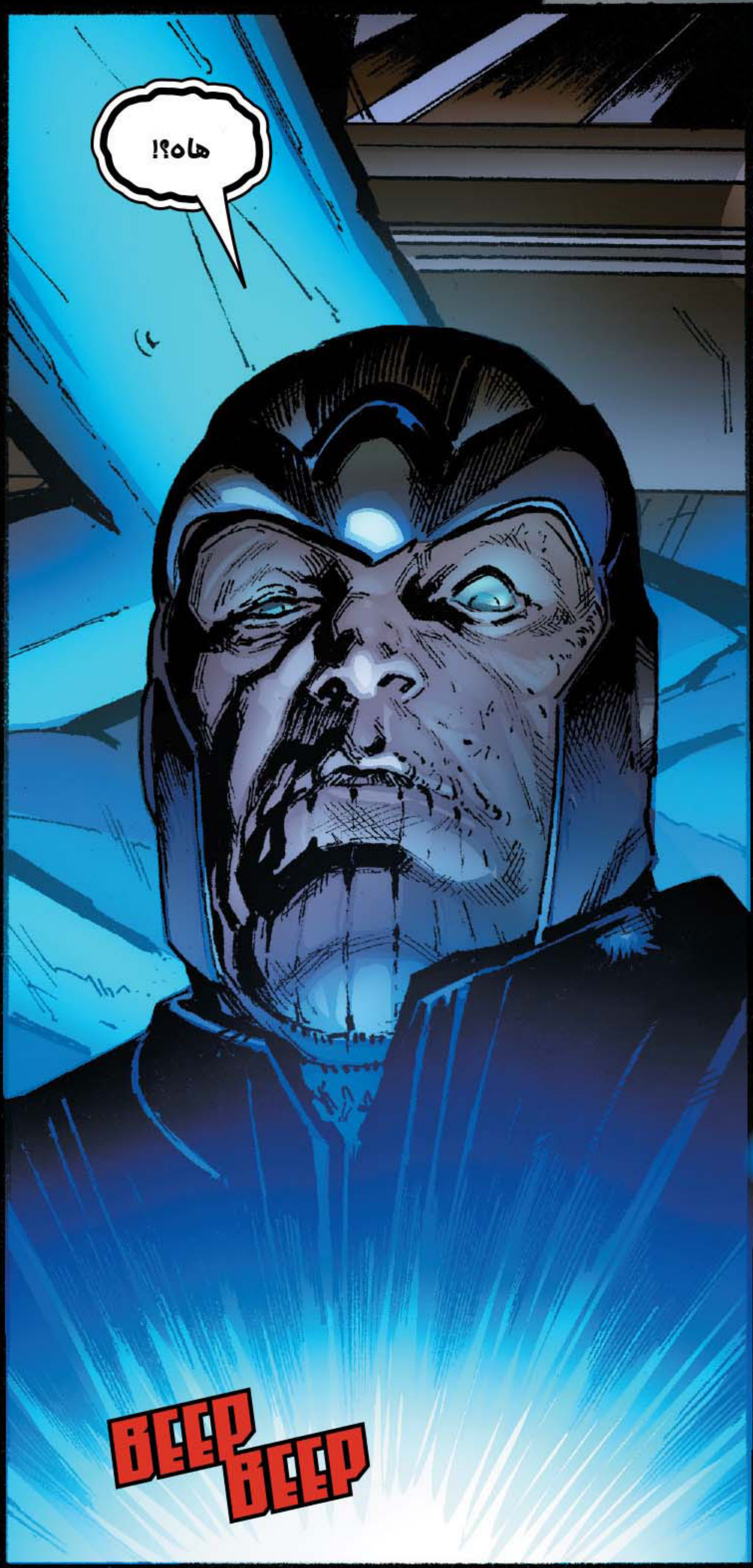
KRAK-

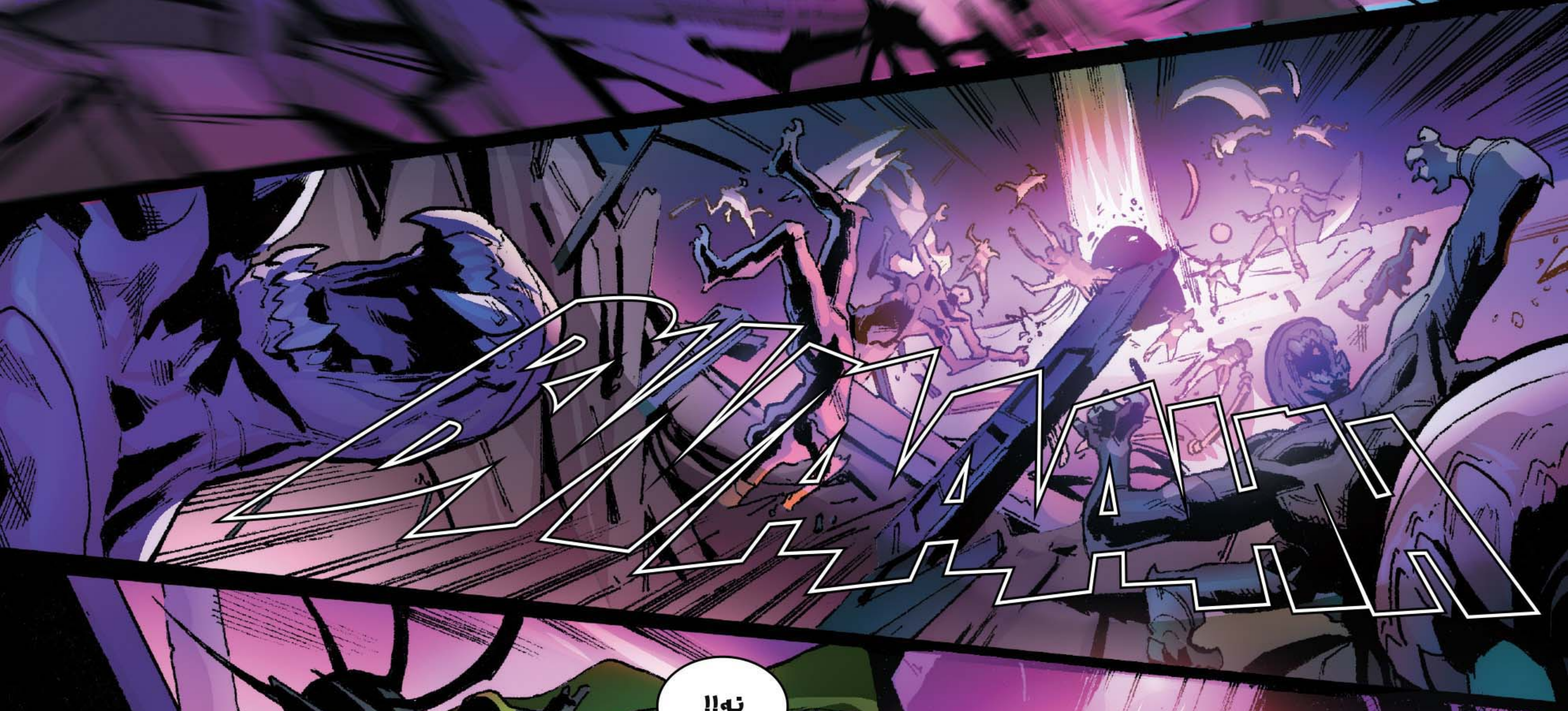
KOOM

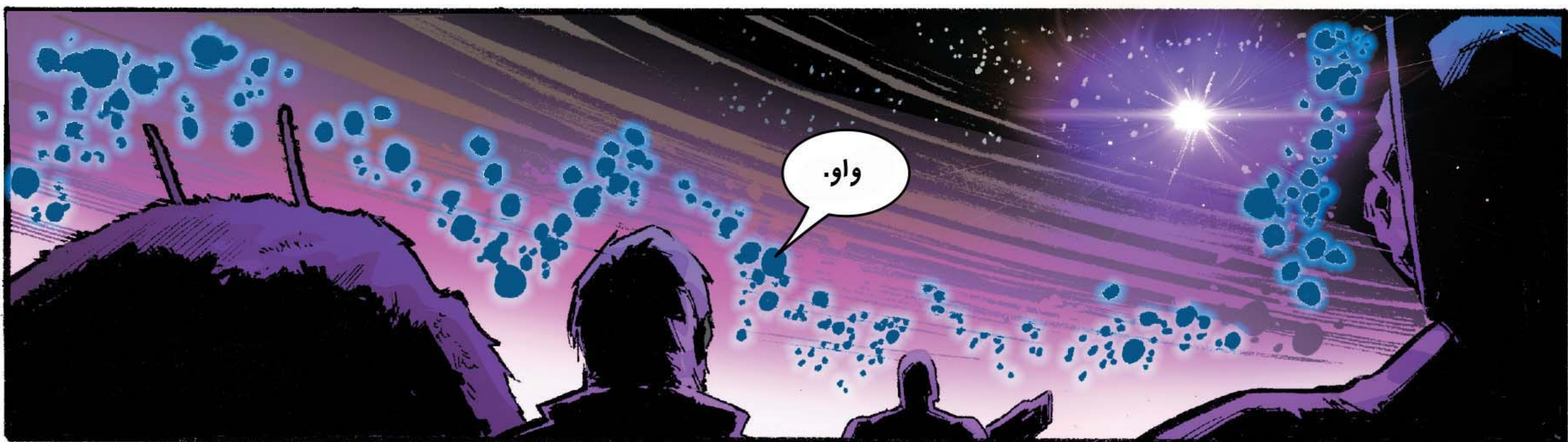
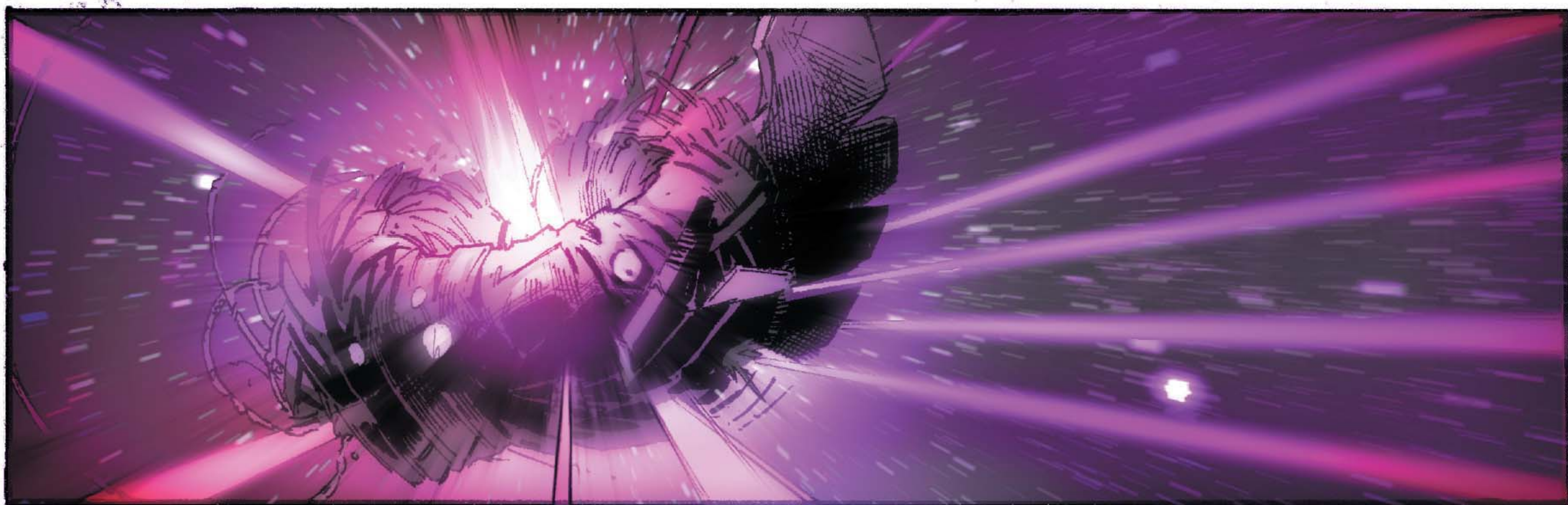
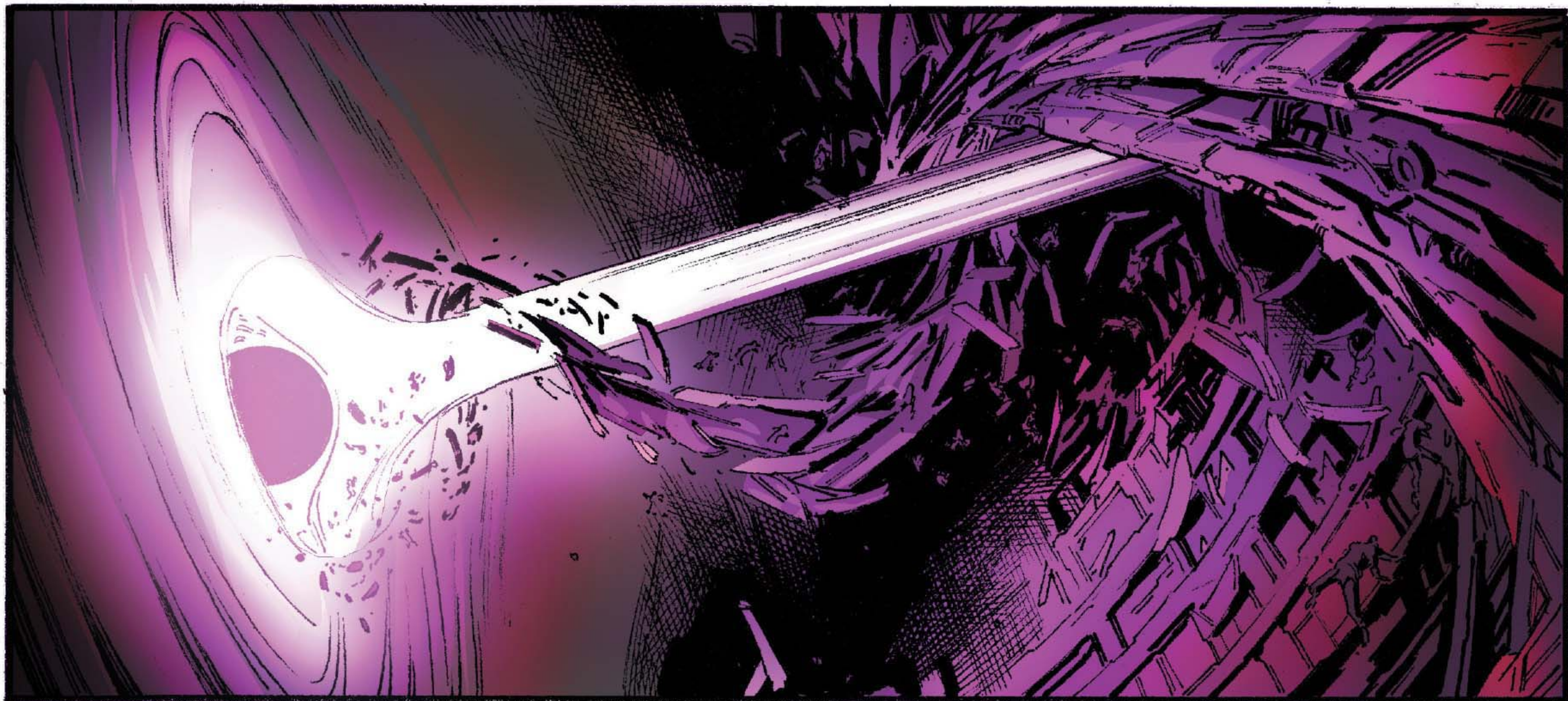
نه!

KLANG





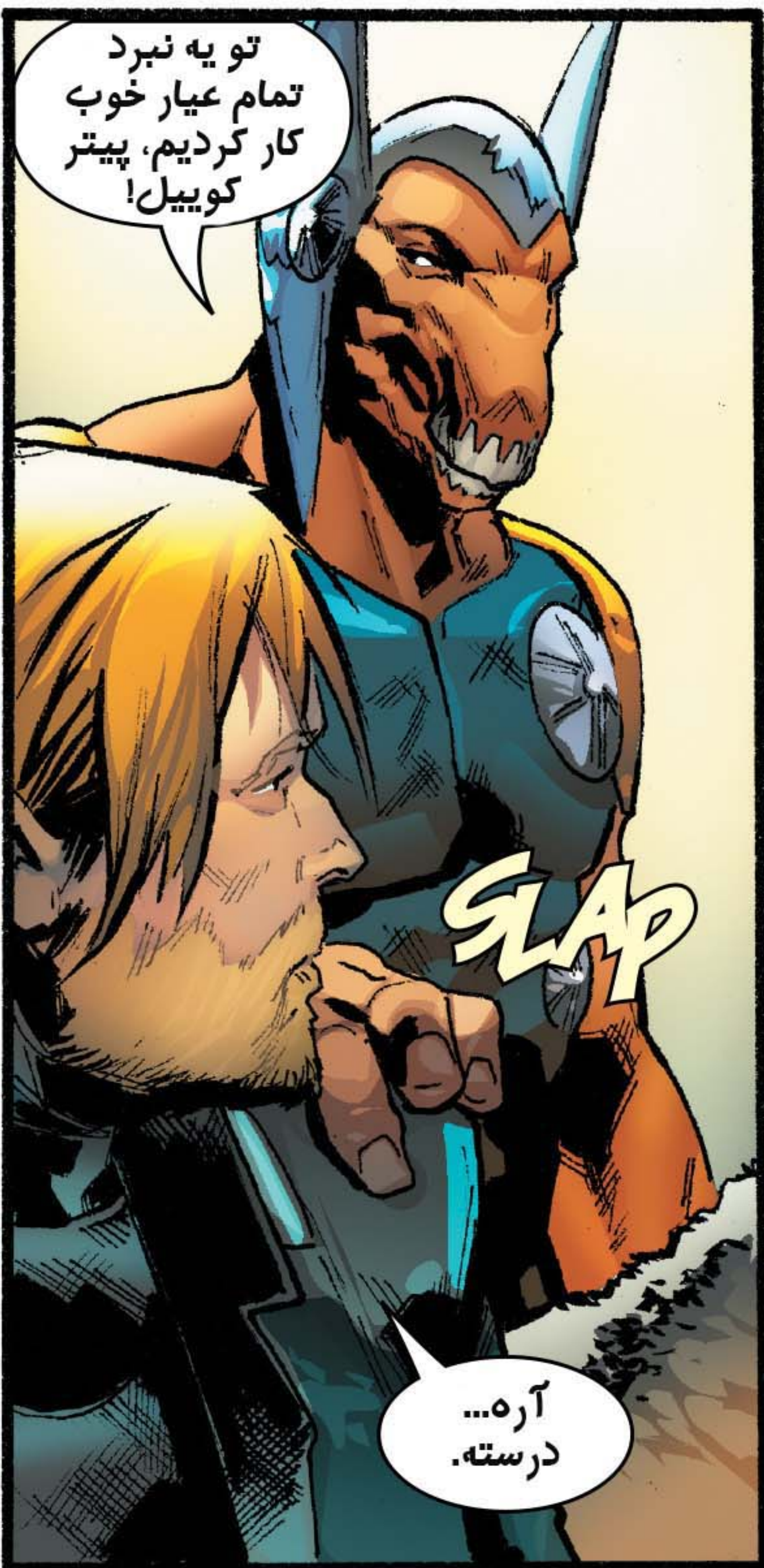






چه پسریه
لاکچاوه.

چه پسر
:~\$#@~



تو یه نبرد
تمام عیار خوب
کار کردیم، پیتر
کوئیل!

SLAP

آره...
درسته.



حالت
خوبه؟

آره،
فقط...

می دونم.

باشه.



هی...
درباره
شورش...

عیب
نداره. من حال
و روز خوبی
نداشتم.
کارت
خوب بود
رفیق.



نه، گروت فقط می خواست بدون
مشکلی با فرماندهی گروت
نداری و...

خفه شو،
گروت.



هی...



”...چطوره فقط
زندگی کنیم.“

دولو مایان.
تفرجگاه قهرمانان و
شرورهای کهکشان.

آقایون!
آقایون!

مطلبی
رو باید یعتون
بگم!

داشتم
فکر می کردم...

حالا که ثانوس
از بین رفته...مسائل
دیگه ای از مرداب کهکشانی
که ایجاد کرده بیرون میاد
تا خلا رو پر کنه.

...در حال
حاضر بیشتر از
همیشه افتخار می کنم
تا همه شما رو
نگهبان بدونم.

شاید اتفاقاتی
بیفته که مسائل
رو در این اطراف
آروم تر کنه.

ولی اگه
حافظه جمعی خودمون
رو مرور کنیم متوجه
می شیم که احتمالش
خیلی کمه.

نمی دونم
چی قراره از اونجا
بیاد بیرون. و نمی دونم
که آیا می تونیم شکستش
بدیم یا نه. ولی چیزی
که می خوام بگم
اینه که...



متأسفم. نه. من هنوز
فرمانده نیروهای شیار
هستم. من و افرادم
شاید نتوانیم...

من که باید در حالت آماده باش
باشم. شاید نوشیدن برام
درست نباشه. متأسفم پیتر.



خوب هنوز
تو این جهنمیم.

چی؟
هیتر؟ کی...

فیلا.

چی؟



مشخصه که
من...

باید بگم، از اینکه
سعی کردم...

خداحافظ
نبیولا.

خداحافظ
نبیولا.



گروت
دیکه چی رو
از دست داد؟

یه شورش
دیکه.

HHA!

خوب...
پس...

همچین ...
ایده آل هم
نبود...





خوب...

یعنی...



...راستی راکت
چی؟